

«فرهیختگان» بروزیک چرخه کاهنده در بازار ارز را بررسی می‌کند

اسکناس سبز تا ۴۷ هزار تومان آب می‌رود؟

محمد مسعودی خبرنگار

همزمانی مازاد عرضه در سامانه نیما و افزایش بازدهی دارایی‌های مولد در روزهای پایانی آذرماه و ابتدای دی‌ماه سال جاری باعث شد تا کارشناسان بازارهای مالی از وقوع زورده‌هنگام یک چرخه مازاد عرضه – کاهش قیمت در بازار ارز خبر دهند. داستان ارز در سال ۱۴۰۲ تا حدود زیادی در سال‌های قبل از آن متفاوت بود؛ چراکه در این سال سیاستگذار پولی نه‌تنها اراده کافی برای انجام سیاست‌های ثبات بخش پولی و ارزی را در بدنه اجرایی خود می‌دید، بلکه توانسته بود از شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم نیز برای پیشبرد سیاست‌های خود نهایت بهره را ببرد.

در بخش سیاستگذاری، پافشاری بانک مرکزی بر پیگیری بی‌چون و چرای سیاست‌های تثبیت، باعث شد تا تقاضای خارج شده از بازارهای غیررسمی دیگر انگیزه بازگشت به این بازار را پیدا نکند. همچنین به ثمر نشستن سیاست‌های کاهنده سرعت رشد نقدینگی در بازارهای پولی نیز باعث شد سوداگران ارزی دیگر قدرتی برای تعیین نرخ در بازار نداشته باشند. از طرفی بانک مرکزی توانست با راه‌اندازی یک بازار رسمی و قابل نظارت در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، بار دیگر خود را به عنوان بازیگر اصلی بازار ارز ایران معرفی کند و با تشکیل یک بازار کانونی و رسمی برای مبادلات ارزی، اثر قیمت‌گذاری‌های غیرشفاف ارز در متغیرهای کلان تورمی را از بین ببرد. این موضوع دیگر بازیگران اقتصاد ایران را مجبور کرد فعالیت‌های خود را با در نظر گرفتن اهداف سیاستی بانک مرکزی بازتنظیم کنند و در معادلات خود نقش سیاستگذار پولی را جدی بگیرند. در بخش فنی نیز دستاوردهای سیاسی و تقویت روابط ایران با کشورهای همسایه باعث شد مبادلات ارزی به راحتی و با هزینه کمتر صورت پذیرد و بانک مرکزی بتواند از طریق دسترسی به منابع ارزی خارجی و تامین ارز مورد نیاز بازار، از بروز التهابات ارزی جلوگیری کند. به این ترتیب، تداوم تقویت منابع ارزی بانک مرکزی، کاهش قدرت سوداگری و افزایش درآمد‌های ارزی دولت در ۹ ماه گذشته باعث شد بازار نیما در آذرماه با مازاد عرضه روبه‌رو شود و بخشی از منابع عرضه شده در این سامانه بی‌خریدار بماند. روندی که با تحولات مثبت در سایر متغیرهای کلان همچون رشد درآمد ملی و سرمایه‌گذاری در نیمه نخست سال همراه شد و انتظارات فعالان بازارهای مالی را در مورد چشم‌انداز بازدهی دارایی‌ها دگرگون کرد.

بروز چرخه مازاد عرضه- کاهش قیمت در بازار ارز

براساس تازه‌ترین آمار منتشر شده از طرف اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی، محاسبات اولیه صورت گرفته توسط این مرجع تخصصی از رشد ۴٫۷ درصدی اقتصاد ایران در نیمه اول سال ۱۴۰۲ خبر می‌دهد. همچنین در این محاسبات نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۲ رشد ۶٫۴ درصدی نسبت به دوره مشابه سال قبل و رشد ۴٫۵ درصدی در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۲ داشته است. این موضوع در روز یکشنبه از طرف فعالان بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفت؛ چراکه فعالان بازارهای مالی برای پیش‌بینی نرخ دارایی‌ها به متغیرهایی مانند نرخ رشد اقتصادی، افزایش قیمت جهانی نفت، کاهش سرعت رشد پولی، کاهش نرخ بهره بین‌بانک و کاهش تقاضا در بازار رهیوی بانک مرکزی، نگاه می‌کنند و تحولات مثبت هرکدام از این شاخص‌ها می‌تواند در ارزش‌گذاری دارایی‌ها تأثیرگذار شود. همزمانی این تغییرات با افزایش مازاد عرضه ارز در نیما باعث شد تا کارشناسان مالی یک چرخه کاهنده نرخ ارز در بازار را شناسایی کنند.

در این رابطه یک کارشناس بازارهای مالی به «فرهیختگان» گفت: «طی ماه‌های گذشته با افزایش درآمد‌های بازگشتی نفت، شاهد سرعت گرفتن عرضه در سامانه نیما بودیم و بخشی از منابع عرضه شده در این سامانه بدون مناقض باقی مانده است که اگر در بازار نیما خریداری برای آن وجود نداشته باشد، گزینه بعدی عرضه در سایر بازارها خواهد بود. براساس گفته حسین جعفری، از آنجایی که قوانین پولی و ارزی بانک مرکزی را ملزم می‌کند که درآمد‌های ارزی دولت را دریافت و معادل ریالی آن را به سرعت به حساب دولت واریز کند، اگر سیاستگذار پولی بخواهد از آثار منفی ناشی از رشد دارایی‌های خارجی در ترازنامه و پایه پولی جلوگیری کند، به‌زودی مجبور به عرضه ارز مازاد در بازار خواهد شد.» این دکتری اقتصاد مالی افزود: «با توجه به صرف نظر کردن متقاضیان ارز از خرید که منجر به ایجاد مازاد عرضه می‌شود، انتظار بر این است که بازارهای غیررسمی نیز به‌زودی با فشار عرضه روبه‌رو شوند و روند کاهشی نرخ دلار سریع‌تر شود. به گفته جعفری این موضوع می‌تواند یک چرخه منفی مازاد عرضه – کاهش قیمت را در بازار ارز به وجود آورد و قیمت را تا کف روند حرکتی سال ۱۴۰۲ و تا محدوده قیمت ۴۷ هزار تومان کاهش دهد.»

وی در پاسخ به این سوال که بروز چنین پدیده‌ای در هفته‌های آینده تا چه میزان امکان‌پذیر است، گفت: «شاخص‌های انتظاراتی در حال حاضر بروز چنین پدیده‌ای را تأیید نمی‌کند. روند این چرخه به این صورت است که مازاد عرضه در سامانه نیما به سایر بازارها انتقال می‌یابد و بر نرخ‌ها فشار ایجاد می‌کند. این فشار عرضه بر انتظارات فعالان بازار در جهت کاهش بیشتر قیمت‌ها اثر گذاشته و آنها تقاضای خود را به تعویق می‌اندازند که خود آن نیز منجر به مازاد عرضه بیشتر در بازار خواهد شد. این روند با توجه به آخرین اطلاعات منتشرشده در مورد تحولات مثبت متغیرهای کلان اقتصادی دور از ذهن نخواهد بود.»

آمارهایی که باید برای پژوهشگران امنیت غذایی مهم باشد

کهنسالی در انتظار کشاورزی؟

در هفته‌های اخیر افزایش فساد در واردات چای شوک اساسی به جامعه وارد کرد. گرچه تخلف در تخصیص ارز نه به این شکل، بلکه به اشکال دیگر و با ارقام کمتر در سایر کالا‌های حمایتی در سال‌های اخیر و حتی تحریم‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نیز رخ داده بود، اما با تداوم تحریم‌ها یکی از موضوعاتی که قابل بحث بوده، این است که آیا سیاست‌های حمایتی در قالب تخصیص ارز، فاوفاغ از فساد رخ داده، کارآمدی کافی برای حمایت از دهک‌های مختلف داشته یا خیر. بسیاری از کارشناسان معتقدند دولت نباید سیاست حمایتی خود را در قالب سیاست ارزی ببیند. به اعتقاد آنان این اقدام علاوه بر هدررفت منابع و فساد، به تولید داخل نیز ضربات اساسی وارد می‌کند. نمونه قابل‌تأمل این وضعیت، در بخش کشاورزی دیده می‌شود. بر این اساس در حالی اسناد بالادستی از جمله برنامه ششم توسعه از لزوم خوداتکایی ۹۵ درصدی در محصولات اساسی و مثبت شدن تراز تجاری در بخش کشاورزی سخن می‌گویند، اما تراز تجاری ایران در بخش کشاورزی در سال گذشته به منفی ۱۷٫۵ میلیون تن از لحاظ وزنی و منفی ۱۳٫۲ میلیارد دلار از لحاظ ارزش رسیده است. بر این اساس تحقق امنیت غذایی در ایران در دهه‌های گذشته با چالش‌های متعددی مواجه بوده که برخی از آنها پس از گذشت سال‌ها به شکل مزم تبدیل شده و حتی حالت بحرانی به خود گرفته‌اند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، تداوم برخی از این چالش‌ها ناشی از ایرادهای مدیریتی و عدم اهتمام جدی به مقوله ورود دانش به بخش تولید محصولات راهبردی کشاورزی و به تبع آن بهره‌وری پایین تولیدات کشاورزی است.

کاهش سهم محصولات راهبردی در ترکیب کشت

طبق داده‌هایی که مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه داده، در ترکیب کشت محصولات زراعی آبی، گندم بالاترین سهم را از سطح زیرکشت در سال‌های مختلف داشته است. پس از این محصول نیز جو، شلتوک، پنبه، ذرت دانه‌ای و سایر محصولات قرار دارند. آمارها نشان می‌دهد سهم محصول گندم آبی از ترکیب کشت محصولات زراعی آبی در کل کشور در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴، نزدیک به ۴۵ درصد بوده ولی در سال‌های اخیر به حدود ۳۰ درصد رسیده است. از این رو محصول راهبردی گندم زمین در اختیار خود را به سایر کالا‌های رقیب واگذار کرده است. این نکته می‌تواند اهمیت توجه به محصولات اساسی را بیش از پیش نمایان کند. طبق این داده‌ها، محصولات جالیزی و سبزیجات در طی ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹) حداقل ۱۱٫۳ درصد و حداکثر ۱۳٫۸ درصد از سهم زراعت آبی را به خود اختصاص داده است، از این رو تلاش برای تغییر این سهم با تداوم ساختار موجود بخش کشاورزی بسیار دشوار خواهد بود. در واقع این امر نیازمند اجرای برنامه مناسب برای یکپارچه‌سازی اراضی زراعی است تا تولید محصولات راهبردی در مقایسه با صیفی‌جات از سودآوری بالاتری برای کشاورزان برخوردار شود. یکی از مهم‌ترین دلایل تمایل به کشت سبزیجات و محصولات جالیزی شکاف قابل توجه سود در هر هکتار هر یک از این محصولات است. براساس آمارها، نسبت سود در هر هکتار در هر هکتار از محصولات مختلف نسبت به گندم به طور متوسط در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹، هر هکتار محصول سیب‌زمینی بیش از ۹ برابر هر هکتار گندم برای کشاورز سودآوری داشته است، این نسبت برای محصولات گوجه‌فرنگی و خیار به ترتیب ۸٫۵ و ۷٫۶ برابر بوده است.

تغییر کاربری اراضی کشاورزی

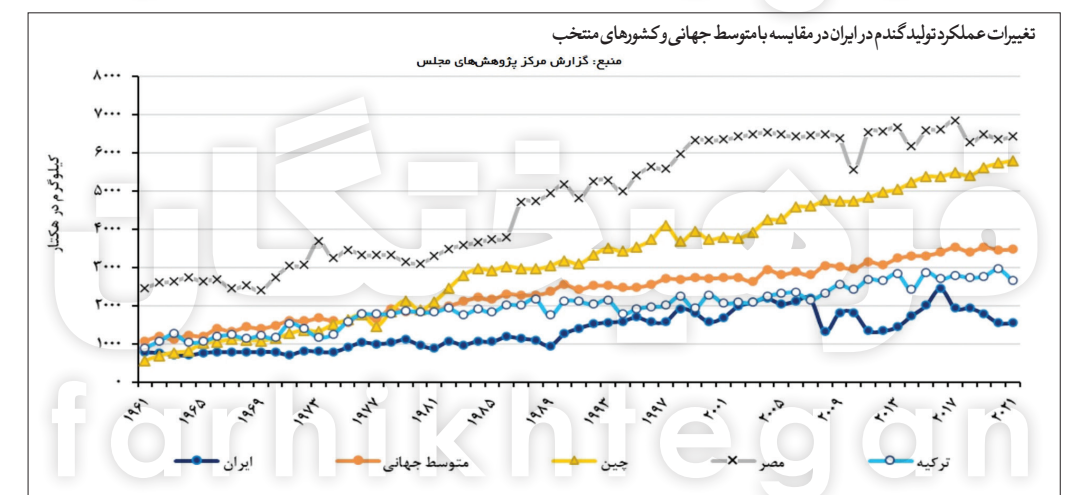
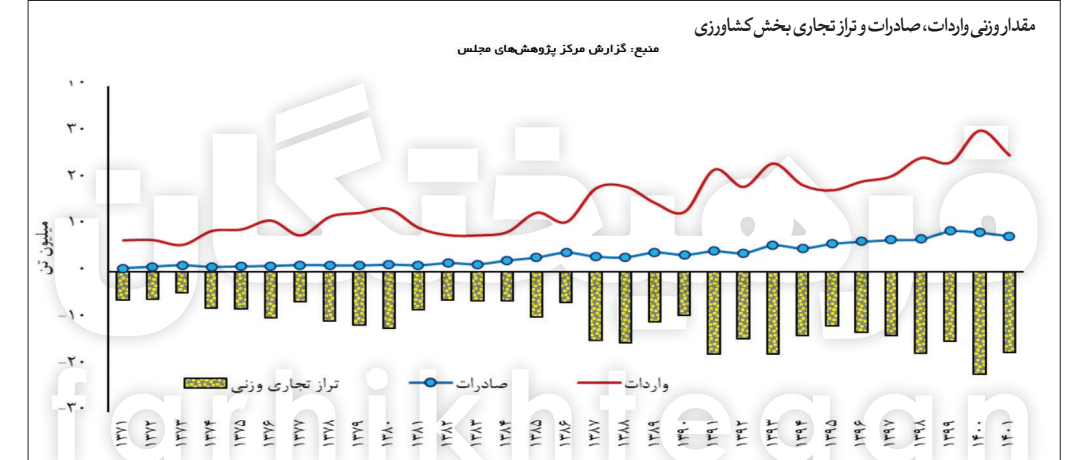
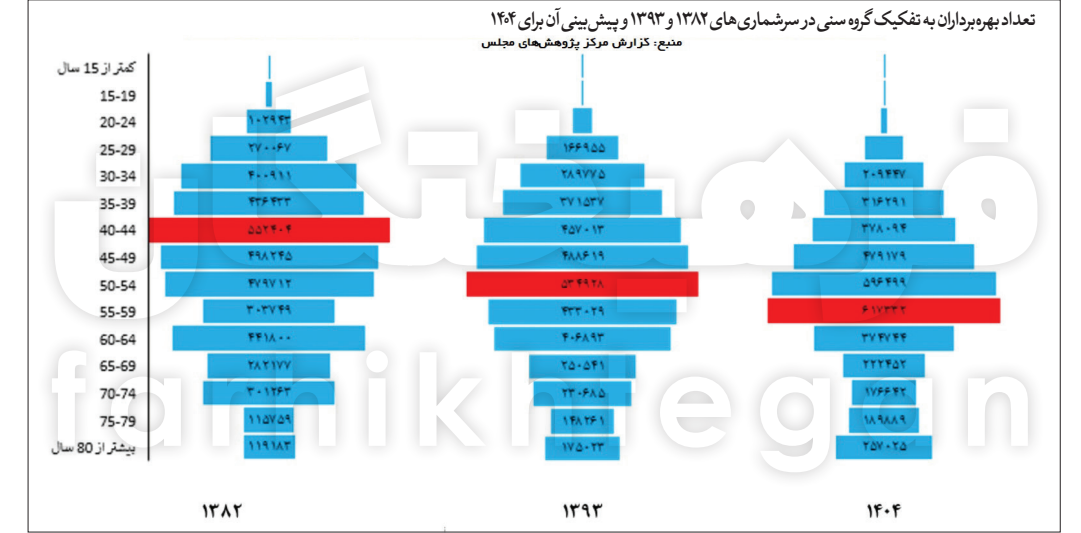
خرد و پراکنده شدن بیش از حد اراضی به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع کاربست دانش در کشاورزی مطرح بوده و از جمله عوامل کاهش بهره‌وری در بخش کشاورزی به شمار می‌رود. ضمن اینکه خرد شدن اراضی کشاورزی زمینه‌ساز تغییر کاربری آنها فراهم می‌کند. طبق آمار سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، سهم اراضی کشاورزی مشتمل بر زراعی، باغی و مراتع از کل اراضی کشور در دوره زمانی ۱۹۶۱ تا ۲۰۲۰ از ۳۶٫۴ درصد به ۲۹ درصد کاهش یافته است و از نظر میزان کاهش سهم اراضی کشاورزی کشور ایران رتبه ۲۸ جهان را داراست. از طرفی قطع اراضی کشاورزی نیز از چالش‌های اساسی تولید دانش بنیان غذا در کشور است. بنابر نتایج آخرین سرشماری کشاورزی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۳، بالغ بر ۷۴٫۸ درصد از بهره‌برداران زیر ۵ هکتار ۸۷٫۴ درصد از بهره‌برداران زیر ۱۰ هکتار زمین را مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند و روند عملى رشد اراضی نیز نشان می‌دهد این وضعیت برعکس تر هم خواهد شد. علاوه بر خردی و پراکندگی بخش وسیعی از اراضی کشاورزی در طی این سال‌ها در معرض تغییر کاربری‌های مجاز و غیرمجاز قرار گرفته‌اند که یکی از مهم‌ترین چالش‌های روز منابع خاک و امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود. طبق آمارنامه تخصصی سازمان امور اراضی در سال ۱۴۰۰، طی سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۴۰۰ با یک روند تصاعدی، بالغ بر ۱۲۷۸۴۰۰۰مورد مشتمل بر حدود ۷۳۷۸۰ هکتار از اراضی زراعی و باغی، دچار تغییر کاربری غیرمجاز شده‌اند. البته این آمار صرفاً موارد شناسایی شده است و بیشتر تغییر کاربری‌های غیرمجاز به دلیل پایش نشدن مستمر وضعیت اراضی کشاورزی از چشم دور مانده است.

تشدید سالخوردگی کشاورزان ایران

براساس داده‌های جمع‌آوری‌شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد بهره‌برداران کشاورزی در سرشماری سال ۱۳۸۲ برابر با ۲٫۱ میلیون نفر بوده است که در سال ۱۳۹۳ به ۴ میلیون نفر کاهش یافته است. برآورد‌ها نشان می‌دهد که تعداد افراد فعال در حوزه کشاورزی تا سال ۱۴۴۰ به حدود ۳٫۷ میلیون نفر می‌رسد. علاوه بر شرایط اقلیمی خروج افراد از فعالیت‌های اولیه کشاورزی به علت تفاوت قابل توجه سوابق درآمدی در این بخش و کاهش فرصت‌های اشتغالزایی است اما نکته مهم‌تر از کاهش تعداد بهره‌برداران افزایش سن افراد مشغول در این حوزه است. آمار منتشرشده و برآوردها نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۲، حدود ۲۸٫۵ درصد کشاورزان دارای سن کمتر از ۴۰ سال بودند که در سال ۱۳۹۳ به ۲۲ درصد رسیده‌اند. اگر همین فرآیند تداوم یابد، مقدار این شاخص در سال ۱۴۰۴ به ۱۷ درصد خواهد رسید. این امر نشان‌دهنده بی‌رغبتی جوانان به حوزه فعالیت‌های کشاورزی است که می‌تواند آینده این بخش را با کمبود نیروی انسانی ماهر و توانمند مواجه کند. این آمارها نشان می‌دهد جمعیت غالب بهره‌بردار بخش کشاورزی که در سال ۱۳۸۲ تا ۴۴۰۰ سال، در سال ۱۳۹۳ در سن ۵۴ تا ۵۹ سال بوده، حالا در حال حاضر به سن ۵۵ تا ۵۹ سال کوج کرده است. همچنین در حال حاضر ۲۶ درصد از کشاورزان در سن بالای ۶۰ سال قرار دارند. این آمارها نشان می‌دهد افراد بالای ۷۰ سال در بخش کشاورزی حدود ۱۳٫۳ درصد از کل بهره‌برداران را تشکیل می‌دهند. اگر سن بهره‌برداران ۸۰ ساله قرار دهیم، ۵٫۵ درصد از کل کشاورزان ایران بالای ۸۰ سال سن دارند. طبق این آمارها، در حالی بهره‌برداران در سن بالای ۸۰ سال در سال ۱۳۸۲ حدود ۱۱۹ هزار و ۱۸۳ نفر بوده، حالاً این تعداد به بیش از ۲۵۷ هزار نفر رسیده است. به عبارتی، طی این مدت تعداد کشاورزان بالای ۸۰ درصد بیش از ۲۰۰ هزار نفر است.

فقط یک درصد کشاورزان ایران تحصیلات عالی دارند

یکی دیگر از چالش‌های بخش کشاورزی در ایران، کندی ورود دانش به



بهره‌وری تولید اقلام اساسی دنیا ۱٫۵ تا ۲ برابر ایران

براساس آماري که مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه داده، شکاف عملکرد و نرخ رشد سالیانه آن در سه بازه زمانی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۱، ۲۰۰ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ برای محصولات راهبردی منتخب در ایران و جهان بررسی شده است. براساس آنچه داده‌های آماری نشان می‌دهد، تفاوت قابل توجهی بین متوسط عملکرد گندم ایران و جهان وجود دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد در دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۱ میانگین عملکرد گندم در جهان در هر هکتار ۱٫۷ برابر ایران بوده است. در چغندر قند ۱٫۲ برابر؛ در سویا ۱٫۲ برابر؛ در جو ۱٫۶ برابر و در عدس ۲٫۲ برابر ایران بوده است. نکته قابل تأمل، افزایش شکاف عملکردی این محصولات با کشورهای منتخب مصر، چین و ترکیه، در بازه‌های زمانی مذکور است. برای مثال در حالی عملکرد تولید گندم در ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۸۳۳ کیلوگرم در هر هکتار بوده، این مقدار در مصر ۶۱۰۰ کیلوگرم، در جهان نزدیک به ۳۵۰۰ کیلوگرم؛ در چین ۵۸۰۰ کیلوگرم و در ترکیه ۲۸۰۰ کیلوگرم بوده است. این آمارها نشان می‌دهد در صورت رسیدن عملکرد گندم ایران به متوسط جهانی، می‌توان ادعا کرد که به میزان متناسب، زمین و آب کمتری برای تولید همین مقدار گندم مورد نیاز خواهد بود. این ادعا برای محصولات آبرو و راهبردی دیگری مانند جو و دانه‌های روغنی نیز صادق است. این در حالی است که برخی از کشاورزان نمونه در کشور، عملکردی بسیار بالاتر از متوسط جهانی دارند و به عبارتی قابلیت رسیدن به عملکرد بالاتر از سطح جهانی نیز در کشور وجود دارد.

ضایعات تا ۲۰ درصدی محصولات کشاورزی

در وهله اول باید تقسیم‌بندی مناسبی از تلفات غذا در سراسر زنجیره تأمین یک کالا انجام داد. هدررفت غذا به زبان‌های اقتصادی ناشی از کاهش در کمیّت یا کیفیت غذا ناشی از تصمیمات و اقدامات تأمین‌کنندگان مواد غذایی در زنجیره اطلاق می‌شود. دورریز غذا نیز میزان تلفات ناشی از کمیّت و کیفیت غذا ناشی از اقدامات خرده‌فروشان، ارائه‌دهندگان خدمات غذا و مصرف‌کنندگان را در برمی‌گیرد. ضایعات به مجموع هدررفت و دورریز غذا گفته می‌شود. براساس گزارش سال ۲۰۱۵ برنامه محیط زیست ملل متحد و موسسه منابع جهانی حدود یک سوم از کل مواد غذایی تولید شده جهانی در زنجیره تأمین غذا به ضایعات تبدیل شده و از دسترس خارج می‌شود. برآورد‌های جهانی نشان می‌دهد که ارزش اقتصادی مواد غذایی که ضایع می‌شود در کشورهای صنعتی ۶۸۰ و در کشورهای در حال توسعه ۳۱۰ میلیارد دلار در سال است. آمار رسمی در مورد میزان ضایعات غذا در ایران گزارش نشده است. در این میان صرفاً برآورد‌های مودری توسط برخی مطالعات صورت گرفته است. برای نمونه سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد میزان ضایعات غذا بعد از برداشت در ایران را ۳۴ درصد گزارش می‌کند. بر این اساس، متوسط هدررفت محصول قبل از برداشت حدود ۱۱٫۷ درصد برآورد می‌شود. این میزان ضایعات باعث اتلاف ۹٫۳ میلیارد مترمکعب آب در هر سال شده است. طبق این آمارها، هدررفت گوجه‌فرنگی ۲۰ درصد، سیب‌زمینی ۱۷ درصد، گندم، پیاز، و پنبه هرکدام ۱۵ درصد، خیار و خربزه ۱۴ درصد، ذرت و جو دانه‌ای ۱۳ درصد، لوبیا ۱۱ درصد، شلتوک، نیلوفر و چغندر قند ۸ درصد و سویا ۷ درصد؛ پنبه ۳ و ذرت علوفه‌ای ۳ درصد برآورد شده است. آنچه مسلم است سیاست‌های کنترل ضایعات باید در تمامی زنجیره تأمین مواد غذایی اعمال شود. این سیاست‌ها می‌تواند شامل بهبود فناوری‌های برداشت، آموزش کشاورزان و گسترش صنایع انبارداری و سرمایه‌یابی باشد. همچنین به منظور کاهش دورریز غذا در انتها زنجیره تأمین، باید تمرکز اصلی روی مصرف‌کنندگان و افزایش آگاهی‌های عمومی در این زمینه باشد.